

از شهر

شهرسازی ایران:

مهندسی شهر یا برنامه‌ریزی گذشته؟



محمد صالح زاده

پڑوہشگر مسائل شہری

هشتم نوامبر ۱۹۴۹ نقطه عطفی در تاریخ برنامه‌ریزی شهری بود. در این روز، پروفیسور کارلوس ماربا دلاپائولا، استاد عقیدۀ دانشگاه جیونیس آپوس آرژانتین، هم‌زمان با افتتاح انستیتو مطالعات مسائل شهرسازی آن دانشگاه، «روز جهانی شهرسازی» (World Town Planning Day) را بنیان نهاد. این ابتکار که در ایران میان دانشجویان رشته شهرسازی به «روز جهانی شهرساز» شهرت یافته، با هدف روشن طراحی شد: ترویج و تعمیق علاقه به مباحث شهرسازی میان عموم مردم و متخصصان، در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی. این روز، بیش از یک مناسبت نمادین، فرصتی طلایی برای بازنگری نقش حیاتی برنامه‌ریزی شهری در ساخت‌وجامع بویا، سرزنده و پایدار است. به همین بهانه با نگاهی اجمالی در این دادداشت با واکاوی تاریخچه، ساختار آموزشی و ماهیت تحریف‌شده رشته شهرسازی در ایران، ضرورت تحول پارادایمی از رویکرد مهندسی-کالبدی به برنامه‌ریزی چندبعدی را مورد تأکید قرار می‌دهیم. بررسی و واکاوی پیرامون شهرسازی، هوشمندی برنامه‌ریزی در ایران -که با مضمون گوناگون همچون شهرسازی، برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، آمایش سرزمین، عمران منطقه‌ای، برنامه‌ریزی کالبدی و نظایر آن مطرح می‌شود- یکی از پریش‌های بنیادین و محوری است که به کشف ماهیت حقیقی این فعالیت فنی-تخصصی و رشته‌دانشگاهی می‌پردازد. شهرسازی، که در واقع معادل «برنامه‌ریزی شهری» (Urban Planning) در کشورهای غربی است، در دانشگاه‌های ایران ذیل رشته‌های مهندسی دست‌بندی شده و هم‌ردیف شاخه‌های چون مهندسی عمران، مکانیک، کامپیوتر و سایر گرایش‌های فنی و مهندسی نظام‌آزمایش عالی کشور قرار گرفته است. آن‌طور که مشخص است، این رشته بر پایه اصول علمی و فنی استوار است. دانشجویان مقطع کارشناسی شهرسازی در نظام آموزشی کشور، از میان داوطلبان گروه آزمایشی ریاضی و فیزیک کنکور سراسری گزینش می‌شوند که این امر بر ماهیت مهندسی و ریاضی‌محور آن تأکید دارد. با این حال، نکته جالب اینجاست که در دفترچه‌های انتخاب رشته کنکور کارشناسی شهرسازی، سنجش آمایش‌شناسی، رشته شهرسازی ذیل گروه آزمایشی هنر نیز برقرارندی شده است. این طبقه‌بندی احتمالاً ناشی از تلقی رایج شهرسازی به عنوان گسترش معماری در مقیاس کلان‌شهری است که در نتیجه، آن را دارای ماهیتی هنری -مشابه رشته معماری- می‌پندارد. در عمل نیز، گروه‌های آموزشی شهرسازی در دانشگاه‌های سراسر کشور عمده‌ای در چارچوب دانشکده‌های هنر و معماری مستقر هستند؛ از جمله دانشکده هنر و معماری دانشگاه تهران، دانشگاه گیلان، دانشگاه اصفهان و پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران. این ساختار سازمانی، علی‌رغم پاره فنی و مهندسی این رشته، بر وجه‌های هنری و طراحی‌محور آن تأکید بیشتری دارد. در اواخر دهه ۱۳۶۰ خورشیدی، رشته شهرسازی برای نخستین بار در مقطع دکتری وارد نظام آموزش عالی ایران شد. صاحب‌نظران این حوزه، پیدایش چنین رشته‌ای در سطح دکتری را نتیجه شتاب چشمگیری شهرنشینی در کشور می‌دانند؛ پدیده‌ای که ایران را به یکی از بالاترین نرخ‌های شهرنشینی در جهان تبدیل کرد. با این حال، ریشه‌های این رشته به پیش‌تر بازمی‌گردد. گروه آموزشی شهرسازی دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۴ با پیشنهاد دانشکده هنرهای زیبای تأسیس شد. سپس در ۱۳۴۷ دوره عالی شهرسازی ویژه فراغ‌التحصیلان معماری آغاز به کار کرد. این دوره دوساله دکتری تخصصی شهرسازی، با شرط تدوین رساله، مدرک دکتری شهرسازی از دانشگاه تهران را به شرکت‌کنندگان اعطا می‌کرد. اما دیری نپایید تا این دوره تعطیل شود و جای خود را در دانشگاه تهران به دوره کارشناسی ارشد ناپویسته شهرسازی دهد. رشته شهرسازی از سال ۱۳۸۴ خورشیدی، با افزودن پسوند «مهندسی» و تحت عنوان «مهندسی شهرسازی» به طور رسمی در فهرست رشته‌های دانشگاهی در مقطع چهارساله کارشناسی جای گرفت. این عقیده بر خرس‌ی از صاحب‌نظران، این نام‌گذاری نه تصادفی، بلکه برآمده از گفت‌وگو میان مسأله معماری و مهندسی عمران (یا به تعبیر رایج، همان راه و ساختمان) در فضای آکادمیک و حرفه‌ای کشور بود. این گفت‌وگو، شهر را عمدتاً به عنوان یک کالبد فیزیکی پیچیده و گسترده می‌نگریست و تحلیل آن را به مقیاس‌های مختلف کالبدی -از تک‌بنا تا مجموعه‌های ساختمانی و در نهایت شبکه‌های شهری- فرومی‌گاست؛ مقیاس‌هایی که حوزه نفوذ و صلاحیت حرفه‌ای معماران و مهندسان عمران را

روایت استادان جامعه‌شناسی و پژوهشگری، از فقدان خانه‌اندیشمندان علوم انسانی که ساختمان‌شان به‌تازگی تخلیه شده است

بستن پناهگاه گفت و گو



نسترن فرخه: خانه اندیشمندان علوم انسانی که از سال ۱۳۹۰ شروع به فعالیت کرده بود، با وجود تلاش برای سرپاماندنش آبان سال ۱۴۰۲ برای همیشه بسته شد. بسن این خانه به باور بسیاری، فراتر از حذف یک نهاد فرهنگی است؛ مثل نشانهای از تضعیف جامعه مدنی در ایران. پژوهشگران و استادان علوم انسانی در گفت‌وگو با «شرق»، این مکان را یکی از معدود فضاهای گفت‌وگو، هم‌اندیشی و مشارکت فکری می‌دانند که با بسته‌شدنش، یکی از آخرین پناهگاه‌های گفت‌وگوی آزاد در پایتخت از میان رفته است. پژوهشگران و استادان علوم انسانی می‌گویند این خانه، جایی که بود برای تفکّر و گفت‌وگو میان شلوغی‌ها و محدودیت‌ها، جایی که صداهای متفاوت شنیده می‌شدند. حالا با محو شدن این چراغ آن، بخشی از جان شهر نیز خاموش شده است.

هرچند محمداکرم توکلی زاده، معاون امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، در واکنش به تخریب تابلوی «خانه اندیشمندان علوم انسانی» می‌گوید: «تولید خانه اندیشمندان علوم انسانی درخواست داشتند تابلوی این خانه را به مکانی جدید منتقل کنند، اما به جان این تابلو افتاده و آن را تخریب کردند و فیلم آن را به نام شهرداری تهران دست به دست می‌کنند». در حالی که از مدت‌ها قبل شهرداری در پی تعطیلی این بنا بوده و به آرامدادنه نیروهای همین سازمان در این ملک مستقر شدند. به همین دلیل هم تمام فعالیت‌های فرهنگی و فکری خانه اندیشمندان از همان زمان تعطیل شد.

خانه؛ جلوه‌ای از حرکت به سمت جامعه مدنی بود

بسیاری این خانه را فقط محل برگزاری چند نشست و برنامه در طول سال نمی‌دانستند. مهدی حسین‌زاده فرمی، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، خانه اندیشمندان علوم انسانی را نه‌فقط یک ساختمان یا محل برگزاری نشست، بلکه «نمادی از جامعه‌مدنی» می‌داند. او می‌گوید برگزاری این مرکز فرهنگی، مبنای فراتر از بسته‌شدن یک نهاد دارد و نشانه‌ای است از روند رو به گسترش اقتدارگرایی در جامعه ایران. او درباره تجربه شخصی خود از این مکان توضیح می‌دهد: «من چند بار به عنوان سخنران در خانه اندیشمندان حضور داشتم و بعضی نشست‌ها و سخنرانی‌ها را هم به عنوان مخاطب دنبال می‌کردم. اما چیزی که برای من فراتر از تجربه شخصی اهمیت داشت، حس خاصی بود که آن فضا ایجاد می‌کرد. خود واژه «خانه» در این نام، گرمی و آرامش دارد. خانه جایی است که آدم احساس امنیت می‌کند، می‌تواند فکر کند، حرف بزند و گفت‌وگو کند؛ دقیقاً همان چیزی که ما در فضاهای رسمی دانشگاهی یا اداری می‌دوریم. او ادامه می‌دهد: «خانه اندیشمندان در مرکز شهر بود، دسترسی آسان داشت و مخاطب غیرآکادمیک هم می‌توانست به‌راحتی در نشست‌ها شرکت کند. در حالی که در دانشگاه‌ها، با تغییر مدیران و سیاست‌ها، فضا برای حضور آزاد مردم و حتی دانشجویان گاهی محدودتر می‌شود. از ظاهر و پوشش تا موضوع بحث، همه چیز ممکن است با حساسیت مواجه شود. اما در خانه اندیشمندان چنین محدودیتی نبود».

پژوهشگران و استادان

علوم انسانی می‌گویند
ابن خاتمه، جایی بود
برای نفس کشیدن
در میان شلوغی‌ها و
مکده صدای‌ها؛ جایی
که صداهای متفاوت
شنیده می‌شدند.
حالا با خاموش شدن
چراغ آن، بخشی از
جان شهر نیز خاموش
شده است

کجور کردند. حالا با تعطیلی این مکان، عملاً جای برآی کرده‌ام و من و وقت‌و کافه باقی نمانده است»، یعنی نقای، بر اهمیت تعاون چنین فضاهایی تأکید دارد: «در شرایطی که سرمایه‌های عمومی و فرهنگی یکی در حال از رفتن یا خصوصی شدن هستند، وجود نهادهای مثل خانه اندیشمندان یک استثنا بود. این کاش نهادهایی از این دست بتوانند مستقل‌تر بمانند و در سایه تصمیم‌های اداری و مالی از بی‌تورند. به‌عظم شهرداری باید بداند که با بستن چنین مکان‌هایی، در واقع بخشی از حاکمیتی و اجتماعی شهر را تعطیل می‌کند». او، گفته او، خانه اندیشمندان، با همه نقدهایی که می‌شد به آن داشت، فرصتی بود برای شنیدن صداهای متفاوت. امیروارم احوالی علوم اجتماعی بتوانند روزی چنین فضاهایی را پس بگیرند. چنانچه جوامع که امکان گفت‌وگو را در دست بدهد، دیگر جای برای نفس کشیدن ندارد».

از بین رفتن بخشی از تجربه جمعی

حضور در مکان‌های فرهنگی، قدرت تأمل را در افراد یک جامعه بالا می‌برد. با این حال «عطیه ملکزاهدی»، پژوهشگر اجتماعی، از جمله کسانی است که طی سال‌های گذشته در برنامه‌ها و نشست‌های خانوادۀ اندیشمندان علوم انسانی حضور داشته است. او این فضا را «نقطه‌ای زنده در قلب شهر حضور ارتباط، گفت‌وگو و آشنایی میان علاقه‌مندان علوم انسانی» توصیف می‌کند: «خانه اندیشمندان در موقعیت مکانی بسیار خوبی قرار داشت، نزدیک خیابان انقلاب. این موقعیت باعث می‌شد دسترسی به آن آسان باشد، به‌ویژه برای کسانی که به فضای کتاب‌فروشی‌ها، کافه‌ها و محیط فرهنگی اطراف انقلاب علاقه داشتند. برخلاف بسیاری از مراکز فرهنگی دیگر که در نقاط دور از دسترس قرار دارند، اینجا همیشه در دسترس بود و برای ما، که اغلب از میان دانشجویان و پژوهشگران علوم انسانی بودیم،

بار الها! ارواح جان‌باختگان مظلوم حادثه تلخ پامداد شنبه گذشته اتوبان قهیدمه منطقه ۲۲ تهران را با ارواح طیبه و طاهره انبیا، اولیا و اوصیا محشور بدار و به زخمی‌های آن حادثه شفای عاجل و به خانواده‌های معزی صبر عطا بفرما! بار الها! مسئولان را هم نسبت به احاد مختلف جامعه ممدل ساز و مهرورزی را در نهاد آنان به ودیعه گذار و توفیق نگرینست به ابواب جمعی‌شان مانند اعضای خانواده‌شان نصیب‌شان بدار!

ادامہ در
صفحہ
۱۰

୮	ଘ			୩	୬		
			୬	୮		୧	
			୩		୩		
୩	୭			ଘ	୮	୬	
	୩	୮	୧			୮	୩
		୭			୧		
	୮		୮	୭			
		ଘ	୩			୮	୮

5		1				9	3	
6	8					4	2	1
			6					8
	6		2		4			
9	4						5	2
			7		9		6	
8				1				
4	1	6					9	3
	2	7				6		5

سودوکو سخت ۴۱۸۴

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

نهای حل جدول سودوکو

در هر سطر و ستون باید اعداد یک
نوشته شود. بدیهی است که هیچ
عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع 3×3 اعداد یک تا
۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ
عددی نباید تکرار شود.

حل سودوڪو ۴۱۸۳

୩	୧	୨	୩	୪	୫	୬	୭	୮
୮	୬	୪	୧	୨	୩	୫	୭	୯
୫	୨	୩	୮	୯	୬	୭	୧	୬
୩	୪	୨	୬	୧	୫	୮	୭	୯
୧	୮	୬	୨	୯	୮	୫	୫	୪
୬	୮	୮	୯	୬	୧	୨	୩	୫
୪	୫	୧	୨	୩	୪	୫	୬	୭
୨	୩	୯	୫	୮	୬	୭	୧	୨

	Δ	Υ	Ψ	Ι	Λ	Ψ
--	---	---	---	---	---	---

Y	S	Q	V	F	I	A	P	Q
A	F	V	P	Q	S	P	I	Q
Q	I	P	P	Q	A	F	S	V
Q	P	I	F	V	P	Q	A	S
S	V	P	A	P	Q	I	Q	F
P	Q	A	I	S	Q	P	V	P
P	P	F	Q	I	V	S	Q	A
V	A	S	Q	P	P	Q	F	I
I	Q	Q	S	A	F	V	P	P

حل جدول ۵۱۸۷

[illegible]

سودو کو سادہ ۴۱۸۴

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو
سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عدد‌های بی تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.